

نوشته : مهدی زنگنه پور

## صفی علیشاه

قدوه العرفاء و نخبة الحكماء حاج میرزا حسن صفی علیشاه ، وی از عارفان و مرشدان نامی و بر علم تصوف و منازل سالکین متبحر و کامل بود : آثار نفیسی در این باب از معظم له بیادگار مانده است بدین شرح :

۱- تفسیر منظوم کلام الله مجید      ۲- زبدة الاسرار      ۳- بحر الحقایق  
۴- آية العشاق .

بطوریکه خود مینکارد : مسقط الراس فقیر اصفهان است در سیم شعبان یک هزار و دو بیست و پنج و یک قمری تولد یافتم پدرم تاجر بود از اصفهان بیزد رفت و در آنجا مسکن گزید فقیر در آنوقت خرد سال بودم مدت بیست سال در یزد توقف نمودم و بعد از طرف هندوستان بحجاز رفتم اغلب از مشایخ ایران و هند و روم را ملاقات کردم از بعضی قلیل مستفیض شدم و قواعد فقر و سلوک را که اخذش منحصر بخدمت و ارادتست باتصال سلسله که شرح آنهم مبسوطیست و در این مختصر ننگجد بدست آوردم در هندوستان بتالیف زبدة الاسرار نظما که در اسرار شهادت و تطبیق با سلوک الله است موفق شدم بعزم ارض اقدس رضوی از راه عتبات عالیات بشیراز و یزد مراجعت کردم و بطهران آمدم چون سکنای دارالخلافة از برای هر کس بخصوص امثال ما جماعت از سایر بلاد امن تر است ... بیشتر اوقاتم مصروف بتحریر است رساله **عرفان الحق** و هم بحر الحقایق و **میزان المعرفة** را در این چندین سال نوشتم .

### در شهود عارف کامل فرماید :

نفس کلیه الهیه را که قائم بامر الله و متصرف در عالم خلق و امر یعنی ملک و ملکوت است در شهود عارف کامل عیان چهار نشانیست یکی تجلی نورذات در طور صفات و فنای عارف از تمام شئونات بوجه ثبات و این سیر موسویست در ولایات الی

رفیع‌الدرجات و دیگر استقلال روح و استقامت او بحیات ذاتی باقی در حین فتوح اتصال عقل جزئی بعقل فعال و تولد روح قدسی مثال از نفس مطمئنه کامل خصال چنانکه عسی از مریم فرخنده فال ، و در این حال قلب حقیقت نشان مانند ماه کنعان از چاه و زندان طبیعت نجات یابد و از حضيض دوئیست بحکم رب قدآیتنی من‌الملك و علمنی من تأویل الاحادیث باوج رفعت و کمال وحدت رسد . و چون عارف صاحب شهود را مراتب ثلاث مشهود گشت و بادراك سر لولاک محفوظ را با آیات قرآنی موافق بیند و در ولایت محمد(ص) خاتم بجامعیت اعظم افضل و اکرام شود و عالم اسرار و لقدکر مناسبتی آدم گردد .

### در بیان تحقیق ظهور امام عصر فرماید

گوئیم ظهور اعلیحضرت امام‌زمان قائم آل‌محمد امام محمد مهدی عجل‌الله‌تعالی فرجه چنانکه در عالم ظاهر واقع خواهد شد در باطن عارف صاحب شهود نیز واقع شود و آن انکشاف شمس وجود است در قوس صعود چون سیر عارف بقیب مطلق رسد و کشف اعیان ثابته بر او شود موجودات امکانی را بقبول وجود مهتدی بیند و در آنساعت که عصر ولایت و قیام قیامت است سلطان وجود که هادی حقیقی است از حجاب خفی بصورت انسان کامل هویدا شود و مراتب هستی سالک را بیساطت و هیمنه‌ی خود فروگیرد و عیسی روح قدسی بر نفس بهیمی که مضل حواس و قواست و بدجال تعبیر شده استیلاء یابد یعنی حواس و قوای حیوانی ملکوتی شود و قلب از اختلافات مختلفه غیر مرضیه آرام یابد و اشیاء متکثره خلقی و خیالی باصل وحدت راجع شوند ادیان مختلفه در این حال دین واحد شود یعنی هم عارف سالک بحضور سلطان قاهر مالک یگانه گردد ، آبادی مملکت وجود بیکدیگر اتصال یابد یعنی خرابیهای غفلت بحضور دائم عمارت شود آفتاب هویت چنانکه در قوس نزول از مشرق اسماء طلوع نمود در این وقت از مغرب اکوان طلوع کند و این اشاره منفی حدود است یعنی مشرق و مغرب از لوازم زمان و مکانست در عالم لامکان حدود متفتی است و زمانی و مکانی نیست تا کشف این مقام برسالك نشده امامش غایب است و او از حقیقت بی‌خبر خواص اهل توحید باین مطلب مخصوصند دخلی بهر کس ندارد عارف حفظ هر مرتبه را بجای خود کند مکاشفه مقوی و معاون احکام صورتست و منافی تصرفات آن مهدی که صوفی گوید درگشف دیده چون ظاهر شود در عالم ملک چنان باشد که در ملکوت عارف متصرفست .

### صافی عیشاه درباره‌ی تفسیر قرآن میفرماید :

قریب دو سال است مشغول نظم تفسیر کلام‌الله مجید قرآنم که هم اشتغال است و هم طاعت و هم تشویق مردم فارسی زبان بخواندن و فهمیدن شاید اجر فقیر

عندالله ضایع نگردد و مردم را سالها و قرن‌ها سبب هدایت شود توفیق نیت خالص و رفع اغراض طبیعت از خدای میطلبم در ضمن تفسیر هر جا بمناسبت هر چه لازم بود نکاشته‌ام :

### در تفسیر قرآن

باشد از حق عمر و توفیقم امید  
معنی قرآن بنظم آرم تمام  
با رسول رحمت آید در خطاب  
کرد بسم الله الرحمن الرحیم  
ثانی اعیان تمام ممکنات  
هست ملکوت اربتن داری تو روح  
در ششم ملک شهود اعنی که جسم  
شمس حق ز این شش جهت در تابشست  
با تو گویم کر بفهم ارزانی  
یازده باشد اگر دانی عدد  
ذات مطلق آید و الله شود  
که بعالم قطب و جان عالم است  
احمد اندر دور هستی نام اوست  
گفت در فیض رحیمی بر کرام  
فیض خاص احمد بود یعنی رحیم  
فیض هستی داد هر جا با نقاب  
یافت در قوس صعودی اختصاص  
کن بتفصیلش زمانی حوصله

از پی تفسیر قرآن مجید  
تا بشکر آنکه دادم نطق و کام  
ابتداء از نام خویش اندر کتاب  
باب گنج علم خود ذات قدیم  
رتبه اول شد اسماء صفات  
سیمین جبروت و رایع در فتوح  
رتبه نجم مثال آمد با سم  
از بیان سته مقصود این شش است  
نکنه بکر خوش روحانی  
هو که باشد نام آن ذات الاحد  
شش برابر چون یکی باده شود  
مظهر الله حین خاتمست  
هستی کون و مکان زانعام اوست  
فیض رحمانی بر اشیاء شد چوتام  
فیض رحمانی بر اشیاء شد عمیم  
رحمت رحمانیش بر ممکنات  
رحمت خاص رحیمی بر خواص  
مجملی بود این ز شرح بسمله

### ادعای قطبیت

مدعی قطبیت را صفی‌علیشاه کسی میدانده که در زمان غیبت امام زمان وجودش کافی از وجود امام باشد و چیزی براو مجهول نباشد و عجز از هیچ چیز نداشته باشد و دیدن و شناختن امام زمان را بر مشایخ اهل طریقت لازم دانسته و مرشد طریقت باید از عهده برآید که سلسله‌ی خود را با امام برساند .

### مجلس نیاز

صفی‌علیشاه بسید هدایت‌الله متولی بقعه مبارکه شاه نعمت‌الله ولی در کرمان طی رقیمه‌ئی دستوراتی میدهد تحت عنوان قانون که هر شب جمعه احیای مجلس نیاز کنند و در یک حلقه جمع شوند اگر قربانی و دعوتیست بهتر و الا شام از خانه خود بردارند و مجلس حضرت نعمت‌الله را احیاء نمایند و ملتفت حق و لینعمت حقیقی خود شوند و نگویند این نان و سفره از ما بود .

### جمله محتاج محتاج و فقیریم صفی - نعمت الله ولینعمت ماست .

و در بیرون نگویند که شام از خانه خود برداشته بودیم که آن برکتی که در این عمل است باین حرف تمام میشود در مجلس نیاز حرف دنیا نزنند و سخن جز بواجب نگویند و با ادب و حرمت نشینند و مشغول ذکر قلب باشند و حبس نفس کنند و حواس خمسہ را بمعنی و هیئت ذکر حاضر دارند و در هر وقت از اعمال قبیح و ناشرع در مقام ترک و توبه باشند و خداوند را حاضر دانند یعنی حاضر باشند که خداوند حاضر است و در هر آنی از آفات و مهلکات ظاهر و باطن پناه بشاه ولایت برند و وقت سحر حتی الامکان فقراء بیدار باشند بلکه از ثلث آخر شب تا صبح اقلا بین الطلوعین خواب نباشند و بذکر جلی یا خفی یا قرآن مشغول باشند اوراد فتحیه راهر کس سواد دارد بخواند اگر نسخه اش در کرمان نیست بخواهد بفرستم و همیشه باطهارت و لباس طاهر باشند و جنب نخوابند و در وقت خواب و بیداری از اوراد و مؤظفه که در **کبریت احمر** مظفری مرقوم است غفلت نکنند که در آن اسرارهاست ، زبان را از لغو و دروغ بی باعث و تهمت و غیبت نگاه دارند بزیرات قبور مشایخ و اولیاء همه هفته بروند و مدد طلبند که معین مقصود است هر کس دارد عشر مال خود را بمستحقین اهل طریقت که در همان بلدند برساند .  
 ترک زکوة موجب فاقه و ابتلاء و کوتاهی عمر و عدم مراد است .

### جانشینان و خلفای صفی علیشاه

از صفی علیشاه علیخان ظهیرالدوله و بعد از وی انتظام السلطنه و سپس صفاءالملک شیخ جانشین وی بودند .  
 صفاءالملک که واقعا مرد مصفا و کاملی بود فرمود روی سنگی منقوش نمودند «خوشا آنانکه دائم در نمازند - هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق» پس از درگذشت بیادگار در روی مدفنش نزدیک پیر خود ظهیرالدوله نصب نمودند و بهمت تیمسار سپهد فرج اله خان آقاولی رئیس انجمن اخوت سالون زیبائی در منزل شخصی ظهیرالدوله در خیابان فردوسی طهران بنا نمود و شبهای جمعه هر هفته اجزاء انجمن اخوت در آن محل حاضر شده از بیانات فاضل و عارف بالله آقای خسروانی مستفیض میشوند و بنام آقاولی تیمسار مذکور سالون زیبائی در حیات مقبره صفی علیشاه در خیابان خانقاه طهران ساخته شده و بتعمیر حیاط بعمل آمد و همچنین دوست دانشمند ما آقای سرهنگ ارسلان **نادری** مسعودالملک در حال حاضر با سمت منشی انجمن اخوت عهده دار امورات انجمن میباشد ادام الله برکاته .

### حاج میر معصومخان کرمانی و بیروانش

رشته‌ی دیگر از صفی علیشاه حاج میر معصومخان کرمانی که میر امداد حسین هندی ساکن شهر رشت جانشین و خلیفه‌ی وی بود و خلیفه و جانشین او محمد حکمیان ملقب

برحمت‌علیشاه بوده است :

واز ارادتمندان حکمیان آقای سید محمد صادق طباطبائی رئیس سابق مجلس شورایی و آقای پیرنیا و میرزا محمد علیخان فروغی ذکاء الملک و قاضی عسگر پلاسید و عارف کامل عنقا فرزند آقای میرزا ابوالفضل طالقانی متخلص بعنقا بوده‌اند «نویسنده این سطور بشخصه از حکمیان شنید که مدت هیجده سال است بعد از ادای هر فریضه مذهبی نماز روزانه هرگز حمد و سوره جداگانه‌ای جهت نثار روح مقدس آقای سید اسدالله الحسینی یزدی ظهور علیشاه را ترک نکرده‌ام» .

رشته‌ئی که صفی‌علیشاه بنورعلیشاه‌سند فقر خود را در طریقه جلیله نعمت‌اللهی می - رساند از حاج ملا رضای کبوتر آهنگی همدانی کوثر علیشاه بوده که جانشین و خلیفه وی حاجی میرزا نفی همدانی جنت علیشاه و آقای محمدتقی تبریزی الاصل و طهرانی‌المسکن صمد علیشاه خلیفه و جانشین او بوده و مولانا آقا سید اسدالله الحسینی یزدی ظهور علیشاه که از منصوفه مشهور زمان اخیر بود خلیفه و جانشین صمد علیشاه در طریقه جلیله  
فخرالعرفاء محمد حکمیان رحمت‌علیشاه نعمت‌اللهی بوده است .



اعلی‌الله مقامه

پیروان مکتب صفی‌علیشاه

واز فضلا و دانشمندان و شاگردان مکتب صفی‌علیشاه دردانش و معرفت آقای تقی دانش مستشار اعظم بود که اخیرا دیوان یک‌هزار قصیده و غزل و مقطعات او بوسیله دانشکده ادبیات دانشگاه طهران از فیمابین تعدادی زیاد آثار وی انتشار یافت رحمت‌الله‌علیه .

درپایان تبرعاً یکی از غزل‌های خلدآشیان مولوی را ذکر میکند وی از مشایخ حقه صفی‌علیشاه بوده و تا اواخر عمر دستگیری مینمود .

هله‌ای جمال منیر ازل! که ز نور تو یافت دلم جلا،

سزد از طلوع تو تا ابد ، بجهان ز نیم دو صد صلا

بدرود پرده جان و دل ، ز چه نفمه‌ها بنهان زنی ؟

ز سماء حسن حسن ، بزین بزمین نقاره‌ی برملا !

ز فنون و عشق و جلال وی ، زعیون و حسن و جمال‌حی

بچشان ب مردم نیک پی ، بنشانشان بسریر ولا

همه‌طالان ضلال ...

ز تو میرسند براین ندانکه منم خدای عرش و علا  
 چو سر عرش جمال و جلالتی، چو تو عشق و کمال ولایتی،  
 چه شود اگر بعنایتی بریم بعرشه امتلاء ؟  
 قطرات بحر ولای تو ، ثمرات نخل عطای تو ،  
 رشحات جود و سخای تو ، برهاندم زهمه بلاء  
 بهوای دائم سمرمدت ، بلوای قائم احمدت ،  
 بدوای نور محمدت ، ببر از وجود من ابتلا  
 بعلو و قدر و صفات علی ، بدنو ذات سینجلی ،  
 بسمو ذکر خفی و جلی ، بدهی بجان ودلم جلا  
 ز کنوزت از ره معنوی ، همه میکنیم چو پیروی ،  
 گهری به بخش بمولوی ، ز خزانه‌های بقا دلا

### علویه خاتون

از جمله پیروان باایمان که طبع شعر داشته علویه خاتون بوده که در اصفهان مقیم بود چون غزل زیر را ساخت توسط شوهر خود بطهران فرستاد و اجازت طلبید شرفیاب شود و حضورا معروض دارد :

### غزل علویه

هزار دور از سپهر چه بگذرد شود  
 ترانه بینی که چون میان کل بشر  
 ز سیصد و شصت شب شبی بود دلیل قدر  
 چه غم که خلق مجاز و رانه بشناختند  
 هوای دنیا کجا بجاهل معرفت  
 نه آدمست آنکه او ندارد از دل خبر  
 در آزمون خلقتی نبود به ز آگهی  
 هزار دل در صفا یکی نشد آینه  
 خمش که در راه عشق زبان درازی خطاست  
 که تا یک آدم بد هر صفی علیشه شود  
 یکی بدین وزن و سنگ عیان بناگه شود  
 يك از همه اختران در آسمان مه شود  
 که چشم دنیا طلب ز دیدن آگه شود  
 بسا که عقل زکی از اینرو ابله شود  
 دل آن بود گز کدر چو خور منزه بود  
 دلی که از آدام است ، از آدام آگه شود  
 که در وی از مردمی ظهور الله شود  
 شود زبان معنی طلب ز گفت کوتاه